

نوری بر فراز مجنون



محمد سلیمانی
منتقد

پس از «موقعیت مهدی»، «مجنون» اتفاق مهم دیگری در سینمای دفاع مقدس سال های اخیر است؛ تجربه ای برآمده از همه آنچه که در این سال ها به عنوان مهم ترین ویژگی های گونه دفاع مقدس در سینمای ایران به آن اشاره شده و در برخی زمینه ها حتی برتر و شاخص تر از تجربه های از سر گذرانده شده است. مجنون هم در معرفی درست و موثر قهرمان باورکردنی اش، شهید مهدی زین الدین موفق است و هم در نشان دادن ابعاد واقعی نبرد. این فیلم همانند آثار شاخصی که تاکنون به قهرمانان سرشناس دفاع مقدس پرداخته است، پیش از شروع عملیات اصلی در میدان نبرد، شهید زین الدین را در موقعیت های مختلف و در برخورد با شخصیت های پیرامونی به گونه ای معرفی و پرداخت می کند که رفتار او در میدان نبرد با نیروهای تحت امر و اتفاقات غیرمنتظره پیش رو، منطقی و قابل باور جلوه کند. پیش از آغاز عملیات خیبر، شهید زین الدین در فضای لشکر و خانواده معرفی می شود و گروهی از نیروهای داوطلب را که رفتار نامتعارفی دارند به مسئولیت خودش پذیرش می کند. به نیریزی که می خواهد برای تماشای بازی پرسپولیس و استقلال به تهران برود، مرخصی می دهد. خودش و فرمانده گروهان از روی پل به درون رودخانه شیرجه می زنند تا فرمان پذیری را به دیگران بیاموزد.



با سرزنش همسرش بابت بمباران مدرسه توسط دشمن و ناتوانی نیروهای خودی در مقابله با آن مواجه می شود اما دم نمی زند و... با همه اینها زمین را برای باورپذیر شدن رفتارهای شهید در موقعیت های مختلف عملیات اصلی آماده می کند. شاید در برخی دیگر از آثار سینمای دفاع مقدس نیز چنین تمهیداتی برای شخصیت پردازی اندیشیده شده باشد اما آنچه که مجنون را در جایگاه شاخصی قرار می دهد، تلاش فیلمساز برای قابل باور شدن موقعیت هایی است که شهید زین الدین را به حضور مستقیم در میدان نبرد و عرصه عملیات وامی دارد.

در مجنون، اول موقعیت ایجاد شده، حجم آتش دشمن و موقعیت شکننده نیروهای خودی نمایش داده می شود و بعد شاهد واکنش شهید زین الدین به آنها و تصمیم نهایی او هستیم. پرداخت و معرفی شخصیت او پیش از شروع عملیات هم در اینجا به کمک مخاطب و فیلم ساز می آید و نتیجه، همان چیزی است که قهرمان فیلم را در ذهن تماشاگر ماندگار می کند. موقعیت هایی که شهید زین الدین و نیروهایش در جزایر جنوبی و شمالی مجنون در آنها قرار می گیرند، متفاوت و متعدد است. عملیات در خشکی و آب، مواجه شدن با پل ها و قراگاه هایی با حجم متفاوتی از نیروها، قرار گرفتن زیر حجم آتش گسترده توپخانه و حتی روبه رو شدن با تانک در محیط جزیره، الزاماتی را به گروه فیلمسازی تحمیل کرده که اگر قرار بود بدون در نظر گرفتن جغرافیای کلی منطقه و نحوه چینش نیروهای خودی و دشمن در مقابل یکدیگر، ساکنان های دیگری به تصویر کشیده شود، دیگر حتی نشان دادن حجم واقعی آتش برای باورپذیر کردن آنچه که شهید زین الدین و یارانش با آن درگیر می شوند، کافی نبود.

آنچه مجنون را به یکی از آثار شاخص سینمای دفاع مقدس تبدیل کرده است، تلاش آگاهانه و ازپیش طراحی شده گروه سازنده به ویژه در عرصه طراحی صحنه، جلوه های ویژه و ایجاد میزانشن های فکر شده و قابل باور است. تقریباً برای اولین بار در سینمای دفاع مقدس، جغرافیای حضور نیروهای خودی و دشمن را در قاب دوربین فیلمساز باور می کنیم. چون حرکت دوربین کاگردان، ایجاد میزان های متغیر و حساب شده، طراحی پایگاه های دشمن و نحوه نزدیک شدن نیروهای خودی به آنها، اگرچه در ساکنان های وصل کردن مواد منفجره به ادوات نظامی دشمن قابل باور شدن جای کار بیشتری داشته اما به گونه ای است که انگار با همه محدودیت ها، چیزی از دید مخاطب پنهان نمی ماند. زمانی که شهید زین الدین در اوچ درگیری و در موقعیتی که او را به عقب نشینی ترغیب می کنند به فکر از کار انداختن تانک های دشمن می افتد و زمینه را برای انفجار مقر اصلی دشمن و ادوات نظامی موجود در آن فراهم می کند، شمایی از همه آنچه که در ذهن قهرمان می گذرد، در برابر چشم مخاطب بازسازی می شود و به همین دلیل دنیای ذهنی شهید زین الدین برای تماشاگر اثر، یک معمای ناگشوده باقی نمی ماند. به چشم می آید و به همین نسبت هم وجوه تاثیرگذار آن تقویت می شود. یک نمونه موفق از تلاش فیلمساز برای ارائه تصویری موثر و قابل باور از آنچه که در ذهن فرماندهای در اندازه های شهید زین الدین می گذرد، پرواز هلی کوپتر در تاریکی مطلق و در شب عملیات است. در حالی که شهید زین الدین در هلی کوپتر را باز کرده و منوری را در دست گرفته، سعی می کند نیروهایش را با نور آن به سوی هدفی که در تاریکی فرو رفته، هدایت کند. مجنون، محصول تلاشی همه جانبه برای تکمیل مجموعه ای پر بار از زندگی فرماندهان جنگ بر پرده سینما و یکی از بهترین های آنهاست.



در گفت وگو با کارگردان فیلم مطرح شد

روایت عشقی نجات دهنده در نبودنت

نمی دادند. حدود یک سال تمام رفتم و آمدم تا بتوانم پروانه را به لطف روح... سهرابی بگیرم و خدا را از این بابت شکر می کنم. البته کار کردن در این پروژه تا اندازه ای سخت و دشوار بود، چون سرما و ترافیک قسمت جنوبی شهر کار کردیم و همین رفت و آمدمان را با مشکل روبه رو می کرد. ما در محله امین آباد بعد از شهر ری کار می کردیم، اما مردم آنجا خوب بودند و خدا را شکر به ما کمک می کردند و فیلم بدون اذیت ساخته شد و کسی برای ما مشکلی ایجاد نکرد. علاوه بر این، همراهی بازیگران به ما کمک کرد که فیلم در زمان مقرر به پایان برسد.

شما علاوه بر کاگردانی، تهیه کنندگی فیلم را هم به عهده گرفتید و در فرآیند اکران ممکن است با چالش هایی روبه رو باشید.

فکر نکنم با چالش خاصی در اکران روبه رو باشیم، چون فیلم ما اجتماعی است، اما به شکل اجتماعی های مرسوم نیست و مقداری پس زمینه شاعرانه هم دارد. در حال گپ زدن برای اکران این فیلم با پخش کننده هم هستیم و احتمال کمک کردن دوستان ما به دلیل حضور بازیگران خوب و سر و شکل داشتن برای پخش فیلم هم وجود دارد. گیشه داشتن یا نداشتن فیلم را نمی توانم اثبات یا رد کنم؛ به هر حال اگر فیلمی در زمان درست اکران شود، از پس خودش بر می آید و مهم انتخاب زمان مناسب برای اکران است.

به جایزه گرفتن فیلم نان فکر می کنید؟

فکری نمی کنم همه بازیگرانم از جمله سحر دولتشاهی، امیر آقایی، رضا بهبودی، فرید سجادی حسینی، علیرضا ثانی فر و شیوا سرمست و علیرضا برازنده فیلمبردار می توانند گزینه های دریافت جایزه باشند. به هر حال در این جشنواره، فیلم هایی هستند که کاگردانان نامی در آن حضور دارند و احتمال دریافت جایزه کاگردانی آنها بیشتر است. بنابراین، برایم جذاب است که موافق فیلم جایزه بگیرند تا درصد کوچکی از تلاش و ایثارشان جبران شود و خودم به دریافت جایزه فکر نمی کنم.

اگر جایزه بگیرید، مسیر فیلمسازی برای شما راحت تر می شود یا سخت تر و این که نفس فیلمسازی برای شما اهمیت دارد؟

من سعی کردم به شیوه ای فیلم بسازم که نگاهی شخصی در آن وجود داشته باشد، اما دوست دارم این نگاه تسری پیدا کند و فقط فیلمی برای خودم نباشد که آن را داخل کمد بگذارم. بنابراین، تلاش می کنم قصه هایی را بیان کنم که هم دوست دارم و هم بلد باشم.

بالاخره دریافت جایزه هم سختی های خاص خود را دارد و هم ارتباطات و راحتی را برای فیلمساز به وجود می آورد. امیدوارم اگر جایزه ای هم بگیرم، این حمایت صورت بگیرد که ساخت فیلم زودتر اتفاق بیفتد. من آخرین فیلمم را سال ۹۷ ساختم و بعد از چهار سال با تلاش و شانس توانستم «نیودنت» را بسازم. به همین دلیل، ممکن است این اتفاق کمک کند تا سریع تر بتوانیم فیلم بسازیم، چون به قدری فیلمنامه دارم که می توانم به طور تقریبی هر سه ماه یک بار فیلم بسازم، زیرا این چند سال از فعالیت های هنری و تهیه کنندگی فیلم کوتاه دست برنداشتم. سینما از هر جهت برایم جذاب است، چه فیلم هنری باشد، چه تجاری یا کمدی. شاید بقیه این فرآیند که فیلم به جشنواره برود یا خیر به اندازه حال خوب سر صحنه برایم جذاب نباشد. به عبارتی، فیلم درست ساختن برایم خیلی مهم تر از مسائل جانبی آن است؛ یعنی اگر فیلم کمدی هم بخواهم بسازم، سعی می کنم فیلمنامه جذاب، قصه گو و همراه با تفکر باشد.

خودم بلدم بسازم، تبدیل کنم. بنابراین تغییراتی در آن انجام شد و به این نتیجه رسیدم که قصه عاشقانه باشد اما به معنای مرسوم قصه عاشقانه هم نمی بینیم. تنها چیزی که درباره فیلم می توانیم بگوییم، این است که عشق باعث نجات می شود.

چه شد که تصمیم گرفتید با سحر دولتشاهی و امیر آقایی به عنوان بازیگران اصلی همکاری کنید؟

من این فیلمنامه را چند سال قبل نوشتم که شرایط ساختن آن به وجود نمی آمد. به کمک یکی از دوستانم با مهندس ای آقای مهربخش، آشنا شدیم و ایشان با پیش گذاشت و دست ما را در زمینه سرمایه گذاری گرفت و توانستیم این فیلم را بسازیم. از همان اولین روز برای شخصیت مرصیه به سحر دولتشاهی فکر می کردم.

البته بازیگران دیگری هم در فهرست بودند و پیشنهاد هایی در این رابطه شد اما این اتفاق برایم مسجل بود. ابتدا خانم دولتشاهی به من گفت دوست دارم نقش آزاد صدی - نقش دوم - را در فیلم بازی کند اما بعد از جلساتی که با هم داشتیم، بازی در نقش مرصیه را قبول کرد. با هم ارتباط خیلی خوبی در کار داشتیم و او جزو بازیگرانی است که هم اندیشه و فکر دارد و هم دلسوز فیلم است. البته بیشتر بازیگران این خصیصه را دارند، اما یکسری اتفاقات در فیلم می افتد که بازیگر فقط به نقش خودش فکر می کند و به بقیه یا دکوپاژ کارگردان کاری ندارد اما خانم دولتشاهی به شدت به این مسائل فکر می کرد و به نحوی مشاور من در کار شد و تجربه نابی بود.

امیر آقایی هم به شدت همراه من و گروه بود و این اتفاق کم پیش می آید که دل بازیگران با کار باشد و این در مورد خانم صدی هم صدق می کرد. بنابراین، بازیگران فیلم با جان و دل کار کردند و بهترین خودشان بودند.

چه چالش ها و سختی هایی برای ساخت فیلم داشتید؟

سختی های این فیلم بعد از ساخت اتفاق افتاد، چون فیلم دچار یک سوء تفاهم شده بود و به من پروانه

کاوه سجادی حسینی، فیلمساز با سابقه ای است که تا به حال فیلم های بلند بسیاری از قبیل «بی سر»، «شب بیرون»، «روزی که می آید» و همچنین فیلم های کوتاه «من را نپوشان»، «کافه خون»، «رهاوی» و... را ساخته است. او بعد از ساخت بی سر در سال ۹۸ و اکران محدود این فیلم در اواخر سال ۱۴۰۰ در گروه هنر و تجربه، با فیلم «نیودنت» به جشنواره فیلم فجر چهل و دوم آمده است. این کارگردان اکثر مواقع به ساخت داستان هایی اجتماعی علاقه داشته و سعی دارد از زاویه ای جدید به مسائل نگاه کند.

از همین رو نیودنت با دستمایه قرار دادن موضوع فقدان در زندگی یکی از شخصیت های اصلی فیلم، قصد دارد یک داستان اجتماعی و عاشقانه دیگر را برای مخاطبان تصویر کند. حضور سجادی حسینی در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر بهانه ای شد که درباره این فیلم با او به گفت وگو بنشینیم.



نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر

اگر بخواهید فیلم خودتان را طوری به مخاطب معرفی کنید که برایش کنجکاو یا رانگیز باشد، چه می گوئید که به دیدن فیلم نان اشتیاق پیدا کند؟

به طور ساده موضوع فقدان و از دست دادن جزو مسائلی است که همه ما آن را تجربه کردیم و این موجب می شود که همیشه چیزی در ما دنبال دیگری و آنچه باشد که از دست داده ایم، مهم ترین کار این است تا موقعی که او را داریم، باید به او وفادار باشیم و او را حفظ کنیم اما وقتی فقدان صورت می گیرد، مهم ترین موضوع این است که تلاش کنیم چیزهای دیگری را از دست ندهیم و شاید دوباره بتوانیم همان ها را برگردانیم. این همان تم اصلی عشق است که به ما کمک می کند حال خوب مان را حفظ و تلاش کنیم که به حال خوب برسیم. فیلم من درباره عشقی پایدار است که از

بین نرفته و قرار نیست از بین برود. در واقع تلاش شخصیت اصلی فیلم موجب تسری پیدا کردن عشق و این مسأله می شود که دست از تلاش خود برندارند. مهم ترین ویژگی فیلم من روابط انسانی و نگاهی است که خارج از قواعد کلیشه ای نسبت به قصه داشتیم. در این قصه شوهری گم می شود و زن در تب و تاب پیدا کردن شوهرش است و تلاش خودش را انجام



بعد از گذشت هشت ماه، سروکل زدن و کلنجار رفتن با صادق خوشحال و فرهاد دلارام به فیلمنامه نیودنت رسیدیم. معمولاً وقتی این اتفاق می افتد، سعی می کنم فیلمنامه را برای خودم و به گونه ای که

جشنواره فجر، تریبونی مهم برای فیلمسازان ایرانی

جشنواره فجر تنها جشنواره ای است که می توانیم خودمان را در آن پیدا کنیم و حتی اگر فیلم اشتباه هم بسازیم، می توانیم بازخورد آنچه را ساخته ایم از منتقدان دریافت کنیم و یاد بگیریم. به هر حال، وارد نوعی رقابت می شویم که در آن برد و باخت وجود دارد. هر فیلمساز ایرانی از با سابقه ترین آنها تا فیلمسازان اول، جشنواره فیلم فجر را تجربه کرده و نمی توانیم ارزش گذاری خوب و بد نسبت به آن داشته باشیم، چون به هر حال بد و خوب سلیقه ای است اما جشنواره فجر در مسیر فیلمسازی تأثیرگذار است و بسیاری از فیلمسازان بزرگ ما با جشنواره فیلم فجر شناخته شدند. بنابراین، جشنواره فجر محلی است که فیلمساز ایرانی، ابتدا به مردم خودش معرفی می شود و این تنها تریبون مهمی است که یک فیلمساز ایرانی می تواند داشته باشد.